

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم
دانشکده طبابت و بین



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

سال چهارم، شماره ۴۰، دی ماه ۱۴۰۰

الذکر الحرام

ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش مستدام

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
سال چهارم، شماره ۴۰، دی ماه ۱۴۰۰



مشاهده شماره‌های پیشین نشریه

نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم

مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه

سر دبیر: دکتر اکرم حیدری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

مریم اردبیلی، مرتضی حیدری، محسن رضایی آدریانی، محمود شکوهی تبار، احمد مشکوری، محمد مهری لیقوان، صادق یوسفی

امور اجرایی: محمد سالم

ویراستار: حورا خمسه

طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین» ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما،

آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

info@muq.ac.ir

۰۲۵-۳۷۷۷۸۳۳

سخن آغازین

پناه بردن به خدا از سختی‌ها..... ۴

سلامت در قرآن

راهکارهای تنظیم رغبت به دنیا (زهده) در قرآن کریم..... ۵
محمود شکوهی تبار

سلامت در احادیث

اهمیت و ضرورت نشاط در زندگی از نظر روایات..... ۸
محمود شکوهی تبار

فقه سلامت

حکم تشریح جسد به قصد آموزش (۱)..... ۱۰
احمد مشکوری

اخلاق سلامت

اخلاق اسلامی..... ۱۲
محسن رضایی آدریانی

مسئولیتش با من!..... ۱۳
محسن رضایی آدریانی

فلسفه سلامت

مفهوم بیماری ۳..... ۱۵
صادق یوسفی

معرفی کتاب

مقیاس سنجش دین‌داری..... ۱۶

زلال سلامت

طلعت دیدار..... ۱۷

راهنمای نویسندگان

منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی ذکر شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به‌عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود. ارجاع درون‌متنی برای یک نویسنده (سهرابی، ۱۳۹۵)، برای دو نویسنده (امیری و کاتبی، ۱۳۸۹)، برای بیش از دو نویسنده (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲)، و در مواردی که به یک سازمان به‌عنوان نویسنده سند، ارجاع داده می‌شود، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴) نوشته شود. در انتهای مقاله نیز منابع در قالب زیر آورده شوند:

- (کتاب، مقاله، پایان‌نامه): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان مقاله/ کتاب/ پایان‌نامه، عنوان مجله، سال انتشار، شماره و دوره، شماره صفحات.

- (صفحات وب): نام خانوادگی نام (همه نویسندگان)، عنوان متن، نشانی صفحه (URL)، تاریخ دسترسی.

- مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیأت تحریریه نشریه بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسئول اعلام خواهد شد.

- انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.

- نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.

رایانامه hrj@muq.ac.ir



نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی - اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت و دین، به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. جامعه هدف این نشریه را اعضای جامعه علوم پزشکی کشور تشکیل می‌دهند. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی اندیشمندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم را بررسی و در صورت انطباق با معیارهای موردنظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید. محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک حوزه سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. لازم است مقالات شامل موارد زیر باشند:

- عنوان، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و وابستگی سازمانی نویسنده/ نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول، متن مقاله، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن.

- توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود مربوط به کدام یک از موضوعات نشریه است. مقالات حداکثر در سه صفحه تنظیم شده باشد. مقالات طولانی‌تر نیز، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

- مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان بوده و پاسخگویی به نویسندگان همکار با نویسنده مسئول است.

- مقالات در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی تهیه و ارسال شوند.

پناه بردن به خدا از سخته‌ها

دادن آنچه در زندگی به اندازه و کافی است.

و به تو پناه می‌آوریم از سرزنش دشمنان و از نیاز به
هموعان و از امرار معیشت در سختی و از مرگ بی‌توشه.

و به تو پناه می‌آوریم از حسرت عظیم‌تر و بلای
بزرگ‌تر و بدترین بدبختی و بدی بازگشت و محرومیت
از ثواب و فرود آمدن کیفر.

خدایا، بر محمد و آلش درود فرست و مرا و تمام
مؤمنان و مؤمنات را به رحمتت از همه این امور زشت
پناه ده. ای مهربان‌ترین مهربانان!

منبع:

- صحیفه سجادیه. دعای هشتم. ترجمه حسین انصاریان // <https://www.erfan.ir/farsi/sahifeh8>. دسترسی در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۶.

خدایا، به تو پناه می‌آورم از توفان حرص و تنیدی
و شدت خشم و چیرگی حسد و ناتوانی صبر و کمی
قناعت و ناسازگاری اخلاق و پافشاری و سماجت
شبهوت و عادت و خوی هواداری لجوجانه و پیروی از
هوای نفس و ناسازگاری و تجاوز از هدایت و خواب
غفلت و انجام کار سخت و پرمشقت و برتری دادن باطل
بر حق و پافشاری بر گناه و کوچک شمردن نافرمانی و
گناه و سنگین دانستن طاعت و فخر فروشی ثروتمندان و
تحقیر تهی‌دستان و بدی سرپرستی به زیردستان و ترک
سپاس از کسی که به ما احسان و خوبی کرده است.

خدایا، به تو پناه می‌آوریم از اینکه ستمکاری را یاری
کنیم یا ستم‌دیده‌ای را تنها گذاریم یا آنچه برای ما حق
نیست بخواهیم یا بدون آگاهی، از امور علمی سخن
گوییم.

و به تو پناه می‌آوریم از اینکه راه خیانت به کسی را
بیماییم و از کردارمان خودپسندی کنیم و آرزوهای خود
را دور و دراز سازیم.

و به تو پناه می‌آوریم از بدی باطن و ناچیز شمردن
گناه کوچک و اینکه شیطان بر ما چیره شود، یا روزگار
ما را به عرصه بلا و نکبت اندازد، یا پادشاه بر ما جور
و ستم روا دارد.

و به تو پناه می‌آوریم از رسیدن به اسراف و از دست

راهکارهای تنظیم رغبت به دنیا (زهد) در قرآن کریم

محمود شکوهی تبار

گروه مطالعات قرآن و حدیث در سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

shokouhi@muq.ac.ir

ارزشمند نیست تا جایی که اگر در مسیر آخرت و کسب رضای خداوند و قرب به او به کار گرفته نشود، لهو و لعب خوانده شده است. در سوره مبارکه حدید آمده است: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ» (حدید: ۲۰). در این آیه دنیا بازیچه، لهو (چیزی که انسان را از امور مهم بازمی‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶۴/۱۹))، زینت، مایه تفاخر و تکاثر در اموال و اولاد معرفی شده و برای درک بهتر این معنا مثالی قابل تأمل بیان شده است. دنیا بدون جهت‌دهی در مسیر رضای خدا و آخرت به بارانی می‌ماند که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد. سپس خشک می‌شود؛ به‌گونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی. سپس تبدیل به کاه می‌شود! نظیر این مثال با بیانی دیگر در آیه ۲۴ سوره مبارکه یونس نیز آمده است: «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ أَزْيَنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمِ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ مَثَلُ زَنْدَاقِي دُنْيَا، هَمَانَدِ آبِي اَسْتِ كَه اَز اَسْمَان نازل کرده‌ایم که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین - که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند - می‌روید؛ تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد، و اهل

آموزه زهد، رسالت تنظیم و جهت‌دهی میل و رغبت مؤمنان به موضوعات مختلف زندگی را بر عهده دارد. این آموزه کمک می‌کند که دنیا و متعلقات آن به میزان واقعی خود، ارزش‌گذاری شوند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، دنیا به‌صورت مستقل کم‌ارزش است و نباید غرق در محبت دنیا بود و بیش از آنچه هست، به آن بها داد و بدان توجه کرد؛ بلکه نگاه به دنیا عمدتاً باید به‌صورت مقدمه آخرت ساماندهی شود. از این‌رو، میل مستقل و اصیل افراطی به دنیا از نظر قرآن کریم و روایات یک آسیب تلقی شده است. آموزه‌های دینی با راهکارهای مختلف، به تعدیل دل‌بستگی به دنیا اقدام کرده‌اند که در ادامه به برخی از این اقدامات اشاره می‌شود.

راهکارهای تنظیم رغبت از منظر قرآن کریم

۱- معرفی زندگی دنیوی به‌عنوان دار ابتلا

قرآن، زندگی دنیا را مایه آزمایش و ابتلا معرفی کرده است. همان‌طور که می‌فرماید: «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فَتْنَةٌ ... (انفال: ۲۸)؛ و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است. در این آیه، مال و اولاد در دنیا مایه آزمایش دانسته شده است. این تفسیر از دنیا که ارزش‌اصالی را از آن می‌گیرد و دنیا را به‌عنوان جایگاهی برای آزمایش معرفی می‌کند، از دل‌بستگی و اعتماد و اطمینان به دنیا می‌کاهد. این مضمون، در آیات متعددی تکرار شده است؛ از جمله: انبیاء: ۳۵؛ تغابن: ۱۵؛ فجر: ۱۵-۱۶.

دنیا در نگاه قرآن کریم به‌خودی‌خود

آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب‌هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی‌رسد؛ (سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم) و آن‌چنان آن را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این‌گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم!

۲- زندگی اخروی زندگی واقعی انسان

قرآن در تعبیری، زندگی واقعی انسان را زندگی اخروی دانسته است. در سوره مبارکه فجر گزارش شده است که وقتی قیامت اتفاق می‌افتد، انسان با دیدن جهنم متذکر می‌شود و می‌گوید که ای کاش برای زندگی‌ام چیزی می‌فرستادم: «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا... وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ... يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (فجر: ۲۱-۲۴)؛ چنان نیست که آن‌ها می‌پندارند! در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود... و در آن روز جهنم را حاضر می‌کنند؛ (آری) در آن روز انسان متذکر می‌شود؛ اما این تذکر چه سودی برای او دارد؟! می‌گوید: ای کاش برای زندگی‌ام چیزی از پیش فرستاده بودم!» این تعبیر لطیف نشان می‌دهد که از نظر آیات وحی، زندگی حقیقی، زندگی اخروی است (ر.ک: طباطبایی. ۱۴۱۷ ق: ۴۷۶/۲). در جای دیگر فرموده است: «... إِنْ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت: ۶۴)؛ و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند!» که این تعبیر نیز حاکی از حقیقی بودن زندگی اخروی است. تفسیر نمونه ذیل این آیه آورده است: «حَيَوَان» به اعتقاد برخی مفسران و کتب لغت معنی مصدری دارد و به معنای زندگی است و به این حقیقت اشاره دارد که زندگی اخروی عین زندگی و حیات است؛ گویی زندگی در همه ابعادش در جوشش است و چیزی جز «حیات» در آن نیست (مکارم شیرازی و دیگران. ۱۳۷۴: ۳۴۰/۱۶). خدای متعال در توصیف پیامبران می‌فرماید: «وَ اذْكُرْ عِبَادَنَا اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ اُولِي الْاَيْدِي وَ الْاَبْصَارِ* اِنَّا اَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ» (ص: ۴۵-۴۶)؛ یعنی ما آنان را با [صفت بسیار

پرازش] یاد کردن سرای آخرت با اخلاصی ویژه خالص ساختیم که نشان‌دهنده اهمیت زندگی اخروی در نگاه قرآن است.

۳- قلیل بودن دنیا در مقایسه با آخرت

خدای متعال دنیا را با وصف قلیل همراه کرده است تا قدر و ارزش واقعی آن را در مقابل آخرت نشان دهد. در سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «... قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى...» (نساء: ۷۷)؛ به آن‌ها بگو: سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است! و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! شبیه این مضمون در آیه ۳۸ سوره مبارکه توبه نیز تکرار و متاع زندگی دنیا کم دانسته شده است: «... فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ اِلَّا قَلِيلٌ» (آیات مشابه: اعلی: ۱۷؛ قصص: ۶۰) درک درست قدر و ارزش دنیا انسان را از شیفتگی و حب افراطی به دنیا بازمی‌دارد و باعث می‌شود به میزان اهمیت واقعی‌اش به آن اهتمام ورزد.

در مقابل، آیات قرآن آخرت را بهتر و باقی‌تر معرفی کرده است: «وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ اَبْقَى» (اعلی: ۱۷). در سوره مبارکه قصص نیز نظیر این معنا بیان شده است: «وَ مَا اوتَيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَا تَعَالَى الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ اَبْقَى» (قصص: ۶۰). در این آیه می‌فرماید که آنچه به شما داده شده متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است. علامه طباطبایی مراد از «ما عند الله خیر و ابقی» را زندگی آخرت می‌داند و می‌فرماید: زندگی دنیا زودگذر و پایان‌پذیر است و در مقابل آن زندگی اخروی قرار دارد که همیشگی و ماندگار است (طباطبایی. ۱۴۱۷ ق: ۶۲/۱۶).

۴- نتایج محبت بیش از حد به دنیا

از راهکارهای قرآنی برای کاستن از میل و رغبت به دنیا، توجه دادن به آثار محبت بیش از حد به دنیاست. در آیات ۱۷۵-۱۷۶ سوره مبارکه اعراف می‌خوانیم: «وَ اَتَّبِعْ عَلَيْهِم نَبَا الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخْ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ* وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ

براین اساس، قرآن کریم و روایات با طرح زندگی دنیوی به عنوان دار ابتلا، معرفی زندگی اخروی به عنوان زندگی واقعی و توجه دادن به قلیل بودن دنیا در مقایسه با آخرت و بیان نتایج محبت بیش از حد به دنیا، رغبت انسان را تعدیل کرده است.

منابع:

- قرآن کریم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصباحی صالح). قم: هجرت.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). ترجمه قرآن. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ... (اعراف: ۱۷۵-۱۷۶)؛ وَ بَرَّ أَنْهَاءَ بَخْوَانِ سِرْكَذْشْتِ أَنْ كَسَّ رَا كَه آيَاتِ خُودِ رَا بَه اَو دَادِيمِ؛ وَ لِي (سِرْاَنْجَامِ) خُودِ رَا اَز أَنْ تَهِي سَاخْتِ وَ شَيْطَانِ دَرِ پِي اَو اِفْتَادِ، وَ اَز گَمْرَاهَانِ شُدَا! وَ اِگَر مِي خُواسْتِيمِ، (مَقَامِ) اَو رَا بَا اَيْنِ آيَاتِ (وَ عِلُومِ وَ دَانَشْ هَا) بَا لَامِي بَرْدِيمِ؛ (اَمَّا اِجْبَارِ، بَر خِلَافِ سَنَتِ مَاسْتِ؛ پَسِ اَو رَا بَه حَالِ خُودِ رَهَا كَرْدِيمِ) وَ اَو بَه پَسْتِي گَرَايِيدِ، وَ اَز هَوَايِ نَفْسِ پِيروِي كَرْدَا! «عَلَامَه طَباطبَايِي دَر بَارَه مَعْنَايِ وَ اِزَه اِخْلَادِ مِي فَرْمَايَدِ: اِخْلَادِ بَه مَعْنَايِ مَلَازَمَتِ دَائِمِي اسْتِ وَ «اِخْلَادِ اِلِي الْاَرْضِ»، يَعْنِي چَسْبِيدِنِ بَه زَمِينِ كَه كَنَابِه اَز مِيلِ بَه تَمْتَعِ اَز لَذَاتِ دَنِيوِي وَ مَلَازَمَتِ أَنْ اسْتِ. اَيْنِ آيَه نَشَانِ مِي دَهْدِ كَه مِيلِ بِيَشْ اَز حُدِ بَه دَنِيَا اِنْسَانِ رَا اَز رَفْعَتِ وَ تَعَالِي بَا زَمِي دَارْدِ وَ زَمِينَه تَبْعِيَتِ اَز هَوَايِ نَفْسِ رَا فَرَاهَمِ مِي كَنْدِ.

از دیگر آثار میل و رغبت بیش از حد به دنیا که در روایات به آن اشاره شده حرص، اندوه و حس ناکامی است. در سخنان گهربار امیر مؤمنان علی عليه السلام آمده است: «مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطَطَّرَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثٍ؛ هَمٌّ لَا يُغِيثُهُ وَ حَرَصٌ لَا يَتْرُكُهُ وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُهُ» (شريف الرضي. ۱۴۱۴ ق: ۵۰۸)؛ هر گس دلش به عشق دنیا شيفته شد، دلش با سه چیز دنیا همراه خواهد بود: اندوهی که او را رها نکند و حرصی که او را ترک نماید و آرزویی که آن را در نیابد.

اهمیت و ضرورت نشاط در زندگی از نظر روایات

محمود شکوهی تبار

گروه مطالعات قرآن و حدیث در سلامت،
دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

shokouhi@muq.ac.ir

نزد ابو عبد الله جعفر بن محمد رضی الله عنه بودم و نزد او جماعتی از دوستانش بودند، از عقل و جهل سخن به میان آمد، حضرت صادق رضی الله عنه فرمودند: عقل و لشکر او و جهل و لشکر او را بشناسید تا هدایت شوید... .

در ادامه حدیث، امام لشکریان عقل و جهل را برمی‌شمارند که در بخشی از فرمایشات گهربارشان نشاط را از سپاهیان عقل معرفی می‌کنند: «... وَ النَّشَاطُ وَ ضِدُّهُ الْكَسَلُ... (کلینی). ۱۴۰۷ ق: (۲۳/۱)؛ نشاط و ضد آن کسالت است...»

امیر مؤمنان علی رضی الله عنه در خطبه معروف به خطبه همام یکی از ویژگی‌های مؤمنان را نشاط دائمی آن‌ها و دوری از کسالت دانسته‌اند که این روایت نیز نشان‌دهنده جایگاه این ویژگی در ایمان است.

از عوامل نشاطبخش در زندگی، شادی و بهره بردن از لذات حلال است. ائمه رضی الله عنهم ما را به استفاده از لذات حلال ترغیب کرده‌اند. در کلام امام کاظم رضی الله عنه چنین آمده است:

اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا
بِإِعْطَائِهَا مَا تَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَ مَا لَا
يَنْلِمُ الْمَرْوَةَ وَ مَا لَا سَرْفَ فِيهِ وَ اسْتَعِينُوا
بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدِّينِ فَإِنَّهُ رُؤْيُ لَيْسَ
مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ أَوْ تَرَكَ دِينَهُ
لِلدُّنْيَا. (ابن شعبه حرانی. ۱۴۰۴ ق: ۴۱۰؛
حکیمی و همکاران. ۱۳۸۰: ۸۰/۵) برای
خودتان بهره‌ای از دنیا قرار دهید؛ یعنی
از حلالی که دوست می‌دارید و به

نشاط، از جمله عوامل مؤثر در سلامت معنوی در بُعد ارتباط با خود است که می‌تواند در سلامت روانی و جسمی نیز نقش ایفا کند. مراد از این مفهوم حالتی از برانگیختگی، هیجان، سبک‌بالی، بسط نفس، گشودگی و سرزندگی روحی و روانی است که باعث تحرک و پویایی در عمل می‌شود و مخالف خمودگی، سنگینی، بی‌حالی، قبض نفس و کسالت روحی و روانی است که نتیجه آن رکود و ایستایی است. واژه‌های سرور، فرح، لذت و حلاوت نیز از واژه‌های مرتبط با آن است.

درباره اهمیت نشاط باید گفت که افزون بر تأثیر این مسئله در سلامت که مورد توجه اسلام است، این مفهوم در ادبیات دینی با عقل و ایمان هم مرتبط دانسته شده است (پسندیده. ۱۳۹۲: ۵۸). در حدیث معروف جنود عقل و جهل، نشاط یکی از جنود عقل و کسالت یکی از جنود جهل مطرح شده است. با توجه به اینکه عقل از جایگاهی ویژه در نظام معرفتی اسلام برخوردار است، ارتباط نشاط و عقل می‌تواند بر اهمیت نشاط بیفزاید. در روایتی می‌خوانیم:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ سَمَاعَةَ
بْنِ مَهْرَانَ، قَالَ: عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ
أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ
عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مَهْرَانَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رضی الله عنه وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ
مُؤَالِيهِ فَجَرَى ذِكْرَ الْعَقْلِ وَ الْجَهْلِ فَقَالَ
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ رضی الله عنه اَعْرِفُوا الْعَقْلَ وَ جُنْدَهُ وَ
الْجَهْلَ وَ جُنْدَهُ تَهْتَدُوا... (کلینی. ۱۴۰۷
ق: (۳۱/۱)؛ سماعه بن مهران گوید: من

شرافت شما آسیبی نمی‌رساند و اسرافی در آن نیست، استفاده کنید و به مدد این حلال به وظایف دینی خود برسید، چه، روایت شده است: «کسی که دنیايش را برای دینش یا دینش را برای دنیايش از دست بنهد، از ما نیست».

البته شادی توصیه شده از سوی ائمه علیهم‌السلام، کاملاً هدفمند و ضابطه‌مند است. از یک‌سو، به لذات حلال محدود شده است و بر آن شروطی مثل اینکه به شرافت و مردانگی آسیب نزنند و اسرافی در آن نباشد، گذاشته شده است و از سوی دیگر، هدف از این امور، کمک به امور دینی دانسته شده است که نشان می‌دهد نباید به شادی و نشاط و لذت بردن، به‌عنوان هدف نهایی نگریست؛ ولی همچنان نباید از آن هم غفلت ورزید.

در روایتی دیگر، از محبوب‌ترین عبادات خوشحال کردن مؤمنان دانسته شده است که نشان از اهمیت این مسئله دارد:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يُكْنَى أَبُو مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ وَ صَرْفُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ وَ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ (كلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۸۸/۲)؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: لبخند شخص به روی برادر مؤمنش حسنه است و برطرف کردن اندوهی از او نیز حسنه است و خداوند به چیزی محبوب‌تر از مسرور ساختن مؤمن، پرستش نشده است.

ائمه معصومان علیهم‌السلام در تقسیم‌بندی اوقات و برنامه روزانه هم توجهی ویژه به بحث شادی و نشاط دارند. امام کاظم علیه السلام فرمودند:

اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْأَخْوَانِ وَ النَّفَاتِ الَّذِينَ يُعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ

يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهَذِهِ السَّاعَةُ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۰۹)؛ بکوشید که وقت شما چهار بخش باشد: بخشی برای مناجات با خدا، بخشی برای کار زندگی، بخشی برای معاشرت با برادران و اشخاص مورد اعتماد که شما را از عیب‌هایتان آگاه نمایند و از دل با شما خالص و یک رو باشند و بخشی که در آن برای لذت‌های غیر حرام خویش خلوت کنید و با این بخش برای سه بخش دیگر نیرو می‌یابید.

با مطالعه روایات مختلف در این باره، می‌توان فهمید که نشاط انسان متشکل از دو بُعد مادی و معنوی است؛ یعنی همان‌طور که انسان موجودی دوبعدی است، نشاط نیز از دو بعد تشکیل شده است. به همین دلیل روایات به هر دو بُعد مادی و معنوی پرداخته‌اند؛ برای نمونه از یک‌سو در ادعیه ماثور از معصومان علیهم‌السلام خداوند مایه سرور عارفان و قرآن کریم مایه شادی قلب دانسته شده است و از سوی دیگر مسائلی نظیر عطر، خوردن عسل، نگاه به سبزه و... از عوامل سرور و ایجاد نشاط یاد شده است. در پاره‌ای از روایات نیز از «حلاوه الایمان»، «حلاوه المعرفه» و «حلاوه المحبه» و مانند آن یاد شده است که نشان‌دهنده توجه روایات به هر دو بُعد نشاط است (پسندیده، ۱۳۹۲: ۵۸).

منابع:

- پسندیده، عباس (۱۳۹۲). الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). الکافی (ط - الإسلامية). چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامية.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.

- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰). الحیاة. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حکم تشریح جسد به قصد آموزش (۱)

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.
a.mashkoori@gmail.com

همان‌گونه که مؤمن در هنگام حیات محترم است، پس از فوت نیز محترم است و همان‌گونه که هرگونه تعرضی به بدن مؤمن در هنگام حیاتش ممنوع است، پس از فوت نیز تعرض به جسد مؤمن ممنوع است.

مؤمن در هنگام حیات محترم است، پس از فوت نیز محترم است و همان‌گونه که هرگونه تعرضی به بدن مؤمن در هنگام حیاتش ممنوع است، پس از فوت نیز تعرض به جسد مؤمن ممنوع است؛ بنابراین قطع اعضایش، ولو به قصد تشریح جایز نیست؛ بلکه برخی روایات قطع اعضای میت را بدتر از قطع اعضای مؤمن در حال حیات اعلام کرده‌اند. طبیعتاً، این روایات بر حرمت تشریح دلالت دارند و این دلالت با نهی صریحی که در روایات دیده می‌شود، تمام و بلا نقص به نظر می‌رسد (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۲۹ / ۳۲۸).

۳- حرمت هرگونه تصرف در جسد

در روایات متعدد چنین آمده است که مو و ناخن متوفی نباید دست‌کاری شود و حتی اگر از مو یا ناخن متوفی چیزی بر زمین افتاد، باید در گفن او قرار داده و همراهش دفن شود. وقتی روایات حتی دست‌کاری موی سر یا بدن یا کوتاه کردن ناخن متوفی را مجاز نمی‌دانند، به طریق اولی پاره کردن و تشریح جسد ممنوع و حرام خواهد بود. البته موی سر و بدن یا ناخن خصوصیت خاصی ندارند که منع شوند، بلکه این تعابیر نشان‌دهنده منع هرگونه دست‌کاری و البته هرگونه رفتار خشن با جسد مؤمن است؛ چراکه در برخی روایات از نرم کردن و باز کردن مفاصل خشک‌شده، به دلیل جمود نعشی با فشار نهی شده که نشان‌دهنده منع هرگونه رفتار خشن با جسد است. همچنین، تعبیر «لایمس» که در برخی روایات ذکر شده به معنی منع هرگونه دست‌کاری

با بررسی فتاوی فقیهان عظیم‌الشان شیعه در موضوع حکم تشریح، اولین مطلب به‌دست‌آمده، عدم اختلاف نظر فقیهان در خصوص حرام دانستن تشریح جسد مسلمان است و اغلب رساله‌های موجود، بحث حکم فقهی تشریح جسد را با این مسئله آغاز کرده‌اند.

در مورد حرمت تشریح جسد مسلمان دلایلی مطرح شده است که به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۱- تشریح نوعی «مثله کردن» است و مثله کردن حرام است.

یکی از بدیهیات در علم فقه، حرام بودن مثله است. روایات متعددی از امامان معصوم علیهم‌السلام به دست ما رسیده است که بر نهی از مثله دلالت دارند و تشریح نیز نوعی مثله کردن و پاره‌پاره کردن جسد است. پس تشریح نیز حرام و ممنوع است (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق: ۳۴ / ۳ و ۱۳۵ و ۲۹ / ۱۲۷-۱۲۸).

۲- جسد مؤمن حرمت دارد و تشریح جسد هتک حرمت مؤمن است.

نتیجه و حاصل روایات متعدد اینکه، همان‌گونه که

جسد است. در نهایت، تعبیر «فارفقوا به، ولا تعصروه» که در برخی روایات به کار رفته به صراحت بیانگر لزوم رفتار ملایم و رفق و مدارا با جسد و پرهیز از هرگونه رفتار خشن با جسد متوفی بوده است و قابل مناقشه و اشکال نیست. پس تشریح جسد که مستلزم پاره کردن و زخمی کردن جسد است، ممنوع و حرام است (حر عاملی. ۱۴۱۶ ق: ۲ / ۵۰۱).

۴- لزوم تسریع در دفن متوفی

در برخی روایات، بر تسریع و تعجیل در تجهیز متوفی و به خاک سپاری او تصریح شده و احترام و تکریم متوفی، شتاب کردن در تجهیز او اعلام شده است؛ به نحوی که اگر کسی شب فوت کرد، تجهیزش تا صبح به تأخیر نیفتد و اگر کسی صبح فوت کرد تا پیش از ظهر دفن شده باشد. طبیعتاً، تشریح جسد با چنین تعجیلی در تجهیز متوفی در تضاد است. بنابراین، تشریح جسد حرام است (حر عاملی. ۱۴۱۶ ق: ۲۹ / ۱۸۵).

۵- وجوب دیه بر قطع اعضای میت

می‌دانیم که وارد کردن هرگونه جراحت عمدی بر جسد متوفی موجب وجوب دیه است و وجوب دیه بر ممنوعیت فعل دلالت دارد. پس تشریح هم فعلی ممنوع و حرام است (حر عاملی. ۱۴۱۶ ق: ۲۹ / ۲۴-۲۷).

آنچه گفته شد، مهم‌ترین دلایل در اثبات حرمت تشریح جسد مؤمن است. ان‌شاء الله در شماره آینده، به نقد این دلایل خواهیم پرداخت.

منبع:

الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۶ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.

اخلاق اسلام

محسن رضایی آدریانی

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم

پزشکی قم، قم، ایران.

mrezaie@muq.ac.ir

از چالش‌های پیش روی اخلاق سلامت در کشور عزیزمان، یک دوگانه حیاتی است؛ یا باید به ترجمه منابع موجود اخلاق پزشکی در کشورهای غربی روی آوریم یا اینکه باید اصول و قواعد اخلاق پزشکی کشورمان را از منابع فرهنگی خود و در رأس آن‌ها از آموزه‌های اسلام عزیز بگیریم. در رویکرد نخست، باید بر اصول و قواعد و برون‌داده‌های اخلاق پزشکی غربی، نمایی ایرانی-اسلامی زده شود. اما در رویکرد دوم، باید پایه‌ریزی این علم از مبانی و منابع خودمان باشد؛ هرچند که بهره بردن از کارهای کشورهای دیگر، کار معقول و پسندیده است. به‌زعم نویسندگان، رویکرد دوم معقول‌تر است.

برای این امر، به نظر می‌رسد در گام نخست باید مهم‌ترین مبانی اخلاق از منظر آموزه‌های اسلامی روشن شود. هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی؛ پایه‌های هر دانش مرتبط با انسان، از جمله اخلاق هستند.

به امید خدا، در شماره‌های آینده به این مباحث با رویکرد توجه به اخلاق پزشکی اسلامی پرداخته خواهد شد.

منبع:

- بی‌نام (۱۳۸۴). نگاهی به تاریخچه اخلاق پزشکی. گروه دین و آیین، خبرگزاری مهر. قابل دستیابی (۱۶/۰۵/۱۴۰۰) در <https://www.mehrnews.com/news/205268>

انسان، همواره با چالش سلامت خود روبرو بوده و هست. سلامت انسان، ممکن است دستخوش اختلال شود و باید برای «حفظ، تأمین و ارتقای سلامت» خود بکوشد. از این رو، شاید به‌جرئت بتوان گفت که قدمت طبابت و پزشکی به اندازه قدمت زندگی انسان بر این کره خاکی است.

از سوی دیگر، اگر اخلاق را محدوده بایدها و نبایدها تعریف کنیم، اخلاق پزشکی دانشی است که هیچ‌گاه از پزشکی جدا نبوده است. با وجود این، توجه به اخلاق پزشکی در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی، به شیوه‌ای نوین و با رشدی فزاینده در دانشگاه‌های دنیا گسترش یافت.

در کشور عزیز ما و دوران شکوفایی علمی در قرون کهن، اخلاق پزشکی جایگاهی مهم در پزشکی اسلامی-ایرانی داشته است. همین امر باعث شده است که در کشور ما، اخلاق پزشکی همواره مورد توجه باشد. این توجه افت‌وخیزهایی هم داشته است، اما پس از انقلاب شکوهمند اسلامی در کشور عزیزمان و رشد و گسترش مجامع علمی و نیز نظام سلامت، نیاز به توجه ویژه به آن بیش از پیش روشن شد. بنابراین، این موضوع با این رویکرد نوین در مجامع علمی، به‌ویژه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (به‌عنوان متولی سلامت)، از سال ۱۳۷۲ پیگیری شده است و می‌شود (بی‌نام، ۱۳۸۴).

مسئولیتش با من!

محسن رضایی آدریانی
گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،
دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.
mrezaie@muq.ac.ir

عقلانه نیست که ما خود را در تنگنا قرار داده، شرایطی را برای خود و بیمار به وجود بیاوریم که ناچار به استفاده از دارو شویم.

معرفی مورد

بیمار، آقای مسن هستند که برای انجام جراحی غیر اورژانسی پذیرش اتاق عمل شده است. بررسی علائم حیاتی نشان می‌دهد که فشارخون وی بالاست. بیهوش کردن بیمار با خطر زیاد و عوارض همراه است، اما دستیار بیهوشی به کارشناس خود دستور می‌دهد که بیهوشی را شروع کند. کارشناس بیهوشی می‌گوید که فشار بیمار بالاست و خطرناک است و بهتر است عمل انجام نشود، اما دستیار بیهوشی با قبول مسئولیت می‌گوید که بیهوشی انجام و جراحی شروع شود. حین عمل جراحی، فشار بیمار خیلی بالا رفت. لابتالول تزریق کردند و فشار نرمال شد.

تحلیل مورد

تشکیلات گسترده نظام سلامت برای «تأمین، حفظ و ارتقای سلامت» انسان‌ها راه‌اندازی شده است. از این رو، تلاش برای بهبود بیمار، هنگامی امری پسندیده و نیکوست که در راستای موضوع کلی سلامت وی باشد. وظیفه ما در بیمارستان درمان نیست، بلکه ما مکلف به تأمین سلامت بیمار هستیم که تلاش برای درمان و بهبود او، جزئی از این سلامت خواهد بود. این امر در اخلاق سلامت در اصل «سودرسانی» (beneficence) جلوه‌گر شده است.

همواره گفته می‌شود که هیچ‌یک از اقدامات تشخیصی-درمانی ما در مراکز سلامت، بی‌ضرر نیست. کمترین ضرر آن، زمانی است که از بیمار یا همراه وی و کارکنان صرف می‌شود. اصل «ضرر نرسانی» (non-maleficence) در پی آن است

که ارائه‌کنندگان خدمات سلامت، در هر اقدام ساده یا پیچیده مراقب باشند که مصالح و منافع آن اقدام، بیش از آسیب وارده به بیمار باشد و اقدامات سلامت، آسیبی غیرقابل قبول به بیمار وارد نکند. هرچه شرح حال که از بیمار می‌گیریم، دقیق‌تر باشد و معاینه‌ای را که انجام می‌دهیم، کامل‌تر باشد، به تشخیص صحیح نزدیک‌تر می‌شویم. بررسی‌های جنب‌بالینی (paraclinical) به ما در رفع ابهام‌های باقیمانده از شرح حال و معاینه دقیقمان کمک می‌کند. هرچه این اقدامات را صحیح‌تر و علمی انجام دهیم، فهرست مشکلات (problem list) درست و کامل‌تری از بیمار به دست می‌آوریم.

توجه به این نکته خیلی مهم است که نباید به هیچ‌یک از قسمت‌های فهرست مشکلات بیمار، بی‌توجه باشیم. وقتی در شرح حال و یا معاینه به نکته‌ای برخوردیم که بررسی جنب‌بالینی هم آن را تأیید کرد، باید برای رفع آن مشکل، برنامه داشته باشیم.

از مهم‌ترین بخش‌های معاینه، علائم حیاتی (vital sign - VS) بیمار است.

نادیده گرفتن و بی‌توجهی به فشارخون بالای بیمار بی‌معناست! بالا بودن فشارخون، چیزی نیست که از کنار آن بگذریم، به‌ویژه وقتی قرار است بیمار تحت بیهوشی و جراحی قرار گیرد، احتمال اینکه فشارخون بالای وی برای او آسیب‌زا باشد خیلی بیشتر است. تا وقتی فشارخون بالای بیمار تعیین تکلیف نشده است، اقدام به بیهوشی و جراحی انتخابی (elective) برای وی، نادرست است.

فقط و فقط زمانی حق داریم حتی یک قرص استامینوفن برای بیمار تجویز کنیم که ضروری و لازم باشد و چاره‌ای جز این کار نداشته باشیم.

دومین مصرف‌کننده داروی آسیا باشیم. از سوی دیگر، عاقلانه نیست که ما خود را در تنگنا قرار داده، شرایطی را برای خود و بیمار به وجود بیاوریم که ناچار به استفاده از دارو شویم (بقره: 173؛ طلاق: 6). وقتی فشارخون بیمار بالاست؛ یعنی غیرعادی است و شروع بیهوشی و جراحی انتخابی برای او احتمالاً شرایط را وخیم و ما را مجبور خواهد کرد که اقداماتی متعدد، از جمله تجویز دارو داشته باشیم. ما به دست خود، خودمان و بیمار را به چاله ضرورت انداخته‌ایم! نادرستی این کار بر هیچ عقل سلیمی پوشیده نیست!

منابع:

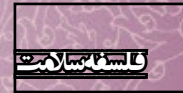
- قرآن کریم.

- استاد ادیب <https://habadnama.blog.ir/1394/11/12>

استاد فرهیخته و چهره ماندگار کشور، دکتر ادیب، در کلاس درس داروشناسی می‌فرمودند: دارو یک سم است که آن را در یک کفه ترازو و بیماری را در کفه دیگر ترازو قرار می‌دهیم. اگر ضرر بیماری از ضرر سم بیشتر بود، حق داریم «سم» را برای بیمار تجویز کنیم. به نظر می‌رسد که این فرمایش استاد ریشه قرآنی دارد (بقره: 173؛ مائده: 3) و منطبق با همان قاعده مهمی است که در فقه پویای تشیع به آن پرداخته شده است: «الضرورات تبيح المحذورات».

بر اساس این فرمایش استاد و مطابق با اصول ضرررسانی و سودرسانی در اخلاق سلامت، تا وقتی ضرورت اقتضا نکرده است، حق نداریم برای بیمار دارو تجویز کنیم. در حقیقت، فقط و فقط زمانی حق داریم حتی یک قرص استامینوفن برای بیمار تجویز کنیم که ضروری و لازم باشد و چاره‌ای جز این کار نداشته باشیم. لازم است تک‌تک ما کارکنان نظام سلامت، به‌ویژه ما پزشکان و نیز همه افراد جامعه، به این امر توجه کنیم تا از این وضعیت نا به سامان مصرف اسراف‌گونه دارو در کشور خارج شویم. زیننده کشور عزیز ما نیست که

بیشتر بیماری‌های چندژنی چندعاملی نیز هستند؛ زیرا محیط نقشی مهم در بروز بیماری دارد. به عبارت دیگر، بخشی از ریشه‌های بیماری ممکن است به دلیل وراثت و بخشی، نتیجه عوامل محیطی باشد.



مفهوم بیماری ۳

صادق یوسفی

مرکز تحقیقات سلامت معنوی،
دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.
syoosefee@muq.ac.ir
yoosefee@gmail.com

ژن‌های مستعدکننده ابتلا به بیماری خاص، تنها در شرایط محیطی خاصی بیان می‌شود؛ به عنوان مثال سرطان ریه یک مؤلفه خانوادگی بوده که با کشیدن سیگار قابل تحقق است. امروزه، از این مفهوم به عنوان اپی ژنتیک یاد می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد، سرطان نمونه‌ای بارز از بیماری‌های چندژنی یا چندعاملی است. ترکیبی از فعال‌سازی آنکوژن و غیر فعال‌سازی ژن سرکوب‌کننده تومور، برای ایجاد تومور مورد نیاز است. با این حال، روبرت واینبرگ (Robert Weinberg) و داگلاس هاناها (Douglas Hanahan) پس از مرور مقالات موجود درباره سرطان، الگویی جدید را در این باره پیشنهاد کردند. استدلال آن‌ها این بود که به علت ماهیت پیچیده و چندوجهی سرطان، به جای تبیین آن تنها با چند ژن جهش یافته، حداقل شش ویژگی (Hallmarks) متفاوت ارائه می‌شود. این‌ها شامل خودسری در سیگنال‌های رشد، عدم حساسیت به سیگنال‌های ضد یا بازدارنده رشد، تهاجم و متاستاز بافتی، پتانسیل تکراری نامحدود، رگ‌زایی پایدار و فرار از آپوپتوز یا مرگ برنامه‌ریزی شده سلولی است. هاناها و واینبرگ طرفدار زیست‌شناسی سلولی هتروتیپی (Heterotypic cell biology) هستند که در آن سلول‌های سرطانی، سلول‌های طبیعی را برای تشکیل تومور بالغ به کار می‌گیرند. به تازگی، نقص در ماتریس خارج سلولی نیز به عنوان عامل سبب‌شناختی در سرطان‌زایی مطرح شده است.

سرانجام، طبقه‌ای از بیماری‌های ژنتیک که حاصل جهش در ژن‌های واقع در قطعات دایره‌ای DNA در میتوکندری است، به میزان زیاد مورد بررسی قرار گرفته است. میتوکندری‌ها اندامک‌هایی هستند که در سلول‌های یوکاریوتی یافت می‌شوند و مسئول تنفس هوازی یا فسفوریلاسیون اکسیداتیو هستند. منشأ آن‌ها از مادر است؛ زیرا میتوکندری‌های پدری در هنگام لقاح از بین می‌روند. الگوی وراثت ژن‌های میتوکندریایی غیر مندلی است.

منبع:

-Marcum, J. A. (2008). *Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine* (Vol. 99). Netherlands: Springer.

در شماره پیشین به تصور تکاملی از بیماری اشاره شد. در این شماره، به تصور ژنتیک از مفهوم بیماری پرداخته می‌شود.

با ظهور گستره‌ای جدید از پزشکی، یعنی پزشکی ژنومی، در آغاز انقلاب ژنتیک در قرن بیستم، مبنای مفهومی پزشکی به سوی «ژنتیکی شدن» سوق داده شد. از مفاهیم اصلی آن، تصور ژنتیک از بیماری است. در این تصور، بیماری با در نظر گرفتن جهش یا نبود ژن (ها)، به ویژه از نظر محصولات معیوب یا عدم تولید محصول آن (ها) تعریف می‌شود. به گفته جان بل (John Bell)، «یکی از فرصت‌هایی که به وسیله تکنیک‌های ژنتیک مدرن ارائه شده این است که می‌توان مبنای بیماری‌زای بسیاری از اختلال‌ها را روشن و در نتیجه، مکانیسم آن‌ها را مشخص کرد». بیماری‌های ژنتیک، مانند دیابت معمولاً به دنبال از دست دادن کارکرد ایجاد می‌شوند. با این حال، مواردی مانند سرطان نتیجه افزایش کارکرد است. جهش ژن ممکن است به شکل نادر (مانند نتیجه تغییرات ژنوم سلول‌های سوماتیک بیماران در طول زندگی آن‌ها)، یا حاصل توارث از والدین باشد.

اگر یک ژن معیوب مسئول بیماری به ارث برده شود، بیماری از الگوهای وراثت مندلی پیروی می‌کند. اگر بیش از یک ژن درگیر باشد، بیماری حاصل، غیر مندلی یا چندژنی است. به دلیل نقش مهم محیط در بروز بیماری، بیشتر بیماری‌های چندژنی چندعاملی نیز هستند. به عبارت دیگر، بخشی از ریشه‌های بیماری ممکن است به دلیل وراثت و بخشی، نتیجه عوامل محیطی باشد. بنابراین، بسیاری از بیماری‌های شایع مانند سرطان، دیابت، فشارخون بالا و تصلب شرایین، ناشی از برهم‌کنش ژن‌ها و محیط هستند.



معرفی کتاب

مقیاس سنجش دین داری (تهیه و ساخت آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام)

کتاب «مقیاس سنجش دین داری»، اثر جناب آقای دکتر مسعود آذربایجانی، در سال ۱۳۹۳ از سوی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در ۱۷۵ صفحه به چاپ رسیده است.

امروزه، دین پژوهی به شیوه‌ای علمی و با استفاده از روش‌های پیروی شده در علوم اجتماعی و انسانی و حتی طبیعی از پیشرفته‌ترین تحقیقات رشته‌های آکادمیک است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام، به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های و حیاتی و اساسی‌ترین مؤلفه‌ی فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است. از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاهی ویژه برخوردار است.

نویسنده این کتاب، با تهیه و ساخت «آزمون جهت‌گیری مذهبی» گامی در راستای علمی کردن و کمی‌سازی مطالعات دین پژوهی برداشته است و در روند پژوهش، برای تهیه ابزار سنجش، یعنی

آزمون یا مقیاس علمی، از دستاوردهای روان‌شناختی بهره‌مند شده است. همچنین، برای تأمین محتوای پرسشنامه که جهت‌گیری مذهبی را فعلیت و عینیت خارجی می‌بخشد، بر ادیان بزرگ جهان و به‌ویژه اسلام تأکید کرده است.

سرفصل‌های این پژوهش به ترتیب عبارت‌اند از: کلیات، مبانی نظری، روش تحقیق و اجرای پژوهش، ارائه و تحلیل آماری داده‌ها و تحلیل نهایی و تفسیر داده‌ها.

این کتاب، به‌عنوان کتاب کمک‌درسی و راهنمای پژوهش در ساخت مقیاس‌های دینی در رشته‌های الهیات، روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد قابل استفاده است.

زهرای علایی طباطبایی
دانشکده سلامت و دین



زلال سلامت

طلعت دیدار



کافری پیشه گرفته است و سبک‌بار شده است
زان سپس در ره دیدار رخ یار شده است
سایه طلعت دیدار پدیدار شده است
هر بلایی که ز یار است خریدار شده است
ورنه از زنگ هوا تیره و زنگار شده است
راقیش عارف شیدایی دیدار شده است
یا که افسر بسر قابل افسار شده است
تا نخفته است به خود آمد و بیدار شده است
برسیده است شفای دل بیمار شده است
دل غم‌دیده ما مطلع انوار شده است
دیدگان حسن نجم گهربار شده است

تا دل اندر خم زلف تو گرفتار شده است
دیده از دیدن اغیار فروبست نظر
عشق از نظم کیانی که عیانست بگفت
وصف عاشق چه توان کرد که وی از دل و جان
دل بیرنگ بود لوح معانی و صور
مصحف است سلّم معرفت و آیات درج
آیت سخره مگر سخره کند مسخره را
ای خوش آن بخت بلندی که در این دیر خراب
آن صبوحی که ز ساقی نهانخانه عشق
حمد لله که ز فضل و کرم و رحمت دوست
سنه نثر نجوم است و یار از سر شوق

علامه حسن‌زاده آملی رحمته‌الله